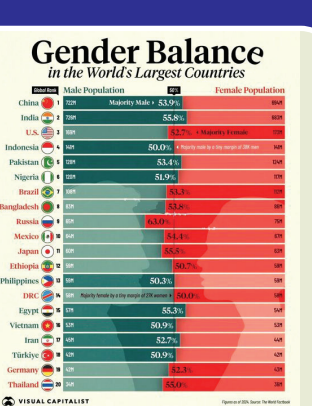




نگاه

کشورهای زنانه و مردانه



شاید فکر کنید در همه جای دنیا تعداد زن ها و مر دها تقریبا یکی است، اما آمارها داستان جالبی برای گفتن دارند. اگرچه در کل کره زمین به ازای هر ۱۰۰ زن، تقریبا ۱۰۱ مرد زندگی می‌کند، اما وقتی روی نقشه زوم می‌کنیم با کشورهای کاملاً زنانه یا کاملاً مردانه روبه‌رو می‌شویم.

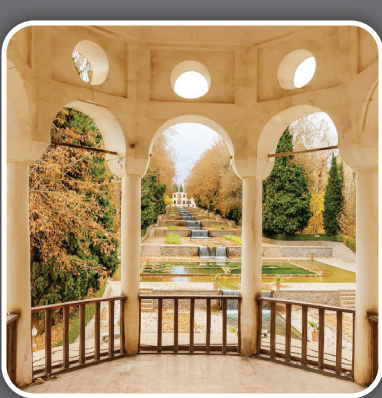
در صدر این فهرست، روسیه قرار دارد که با اختلاف، زنانه‌ترین کشور دنیاست. تصور کنید در این کشور به‌طور، ۶۳ درصد جمعیت را زنان و تنها ۳۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. کارشناسان می‌گویند ردیای جنگ‌های ویرانگر تاریخ، هنوز در آمار جمعیتی این کشور پیداست و باعث شده کفه ترازو به‌شدت به سمت خانم‌ها سنگینی کند. البته روسیه تنها نیست؛ کشورهایی مثل ژاپن با ۵۵.۵ درصد زن، تایلند با ۵۵ درصد زن و حتی آلمان، مکزیک و برزیل نیز جمعیت زنان‌شان از مردان پیشی گرفته و در دسته کشورهای «زنانه» قرار می‌گیرند.

اما در آن سوی ماجرا، کشورهایی هستند که حال و هوایی کاملاً مردانه دارند. هندوستان با داشتن ۵۵.۸ درصد جمعیت مرد، در این زمینه رکورددار است. جالب است بدانید کشور خودمان ایران با ۵۲.۷ درصد مرد و همسایه‌مان پاکستان با ۵۲.۴ درصد مرد نیز در این‌س گروه قرار می‌گیرند و جزو کشورهای مردانه به‌حساب می‌آیند.

در این میان، کشورهایی هم هستند که انگار به‌دنبال صلح و تعادل بوده‌اند. مثلاً در ترکیه، جمعیت با ۴۲ میلیون زن و ۴۲ میلیون مرد، تقریباً مو به مو باهم برابر است و می‌توان گفت این کشور از نظر جنسیتی، «خشی» است. این تفاوت‌های جالب به‌ما نشان می‌دهد که چطور اتفاقات بزرگ تاریخی، فرهنگ و سبک زندگی می‌تواند ترکیب جمعیتی یک ملت را شکل دهد و چهره‌ای زنانه یا مردانه به آن ببخشد.

عکس خانه

در انتظار پاییز



نگاهی از دل تاریخ، قابی به‌سوی زیبایی بی‌پایان، اینجا زمان می‌ایستد و طبیعت، عاشقانه‌ترین شِعر خود را در گوش آب زمزمه می‌کند. تصویری که می‌بینید، پنجره‌ای است از گوشک اصلی باغ شاهزاده‌ها ماهان در قلب استان کرمان که منظره‌ای بی‌پدیل را پیش چشمانتان به تصویر می‌کشد. معماری هوشمندانه و اصیل ایرانی، قابی متقارن و چشم‌نواز ساخته تا شکوه این باغ پلکانی را دوچندان کند.

باغ شاهزاده، معجزه‌ای سبز در دل کویر خشک کرمان است. این شاهکار معماری که در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده، حیات خود را مدیون جریان دائمی آبی است که از قنات «تیگران» سرچشمه می‌گیرد و هوشمندانه در سراسر باغ به رقص درمی‌آید. در این نمای پاییزی، تضاد رنگ‌ها به‌اوج خود می‌رسد: سبزی استوار درختان سرو در کنار زرد و نارنجی درختانی که خود را به‌دست باد پاییزی سپرده‌اند، یک تابلوی نقاشی زنده را خلق کرده است. صدای دل‌نشین آب که پله‌پله از آبشارهای کوچک پایین می‌آید، بسا خوش‌برگ‌های ریخته‌بسر زمین در هم می‌آمیزد و سمفونی بی‌ظنیری از آراش را می‌نوازد.

در این تصویر زیبا که هنرمندانه توسط سامان رفسنجانی ثبت شده، حس سکون و جلال موج می‌زند. گویی از ایوان تاریخ به تماشای گذر فصلی نشست‌ه‌ایم که پادشاه رنگ‌هاست.

روایت‌های مقدس

گزارشی از یادگاری‌های ۸سال دفاع مقدس در موزه‌ها

جبهه‌شده‌است. هر کدام از این مکان‌ها قطعه‌ای از بازل عظیم مقاومت ۸ساله‌اند، از یادمان‌های روبراز شلمچه و فکه که هنوز خاکشان بوی خون می‌دهد تا ویت‌رین شیشه‌ای موزه شهیداکه وصیت‌نامه‌های شهدارادر خود نگه داشته‌اند.

این هفته دعوتی است به یک سفر کوتاه اما عمیق، سفری که از سکوت شیشه‌های موزه آغاز می‌شود و به هیاهوی میدان‌های نبرد می‌رسد، سفری که فقط تاریخ، بلکه روح مقاومت را به یاد می‌آورد.

آن روزها را به زمان حال می‌آورد. این اشیای خاموش زبان گویای سال‌هایی هستند که هزاران داستان ناشنیده دارند. موزه‌ها و خانه‌موزه‌های دفاع مقدس نه انبار خاطرات، بلکه باز آفرینان لحظات حماسه‌اند. در باغ موزه‌های دفاع مقدس می‌توان در میان تالارها قدم زد و صحنه‌های نبرد را در ابعاد واقعی دید. در خانه‌موزه‌های کوچک می‌شود، واقعییتی که با نگاه به لباس خاکی، قمقمه صاحبخانه در کنار آن جای نوشیده و بعد راهی

باغ موزه‌های دفاع مقدس

باغ موزه‌ها ایستگاه‌هایی برای مرور خاطرات پایداری و تماشای تصویر زنده روزهای جنگ در دل معماری و طراحی هنرمندانند.

باغ موزه دفاع مقدس تهران

در قلب اراضی عباس‌آباد باغ‌موزه‌ای با مساحت ۲۰۵ هزار مترمربع ه نمایشگر اشیاء و بازآفرین حال‌وهوای جنگ است. ۷ تالار و یادمان نهایی آن با عده‌به یاد ۸سال دفاع مقدس و عدد ۷ به نشانه تقدس طراحی شده‌اند. تالار پروانه‌ها یادآور زندگی فرماندهان شهید است و دیگر بخش‌ها بازسازی میدان نبرد و رویدادهای تاریخ‌ساز آن روزها را در ابعاد واقعی یا نمادین پیش چشم بازدیدکنندگان می‌آورند.

باغ موزه دفاع مقدس کرمانشاه

موزه جنگ کرمانشاه در پرانده ادوات مختلف جنگی و تصاویر و آثار شهداست. این مرکز در اصل پناهگاه مردم بی‌دفاع در برابر حملات

موزه شهیداک

موزه شهیداک در تهران مجموعه‌ای استثنایی برای دیدار با فرهنگ ایشان است. در این مکان، یادگاری‌های شهیداک از لباس و دستخط‌ها تا تصاویر و وصیت‌نامه‌ها به نمایش گذاشته شده است. روایت زندگی هر شهیداک از خانواده تا سنگر همچون کتابی مصور پیش چشم بازدیدکننده ورق می‌خورد. طراحی بخش‌ها به گونه‌ای است که نه تنها آثار فیزیکی، بلکه فضای روحی و عاطفی آن روزها را به مخاطب منتقل می‌کند.



خانه موزه‌های شهیداک

خانه‌موزه‌ها روایت جنگ را از دل سنگر به حیاط خانه می‌آورند، فضایی که دیروز محل زندگی قهرمانان بود و امروز کلاس درسی است برای فهم شجاعت. خانه‌موزه شهیداک چمران در چهارراه سیروس تهران، بنایی از اواخر دوره قاجار است که با مرمت، در سال ۱۳۸۵ به موزه‌ای زنده از زندگی و مبارزات این معلم، دانشمند و فرمانده شهید بدل شد. خانه شهیدان آقبالی در خیابان کمیل شرقی، فضایی قرآنی-فرهنگی است که با حلقه‌ها، قاب عکس‌ها و کتابخانه کوچکش یاد جبهه‌ها را زنده می‌سازد. خانه شهید حسینی آداک در قیصریه با شمعدانی‌ها و قاب‌های شهیداک محله علاوه بر فضای موزه‌ای، محلی برای کارآفرینی و برگزاری جلسات فرهنگی و حقوقی شده است.

هوایی دشمن بوده و اکنون با داشتن غرفه‌های مختلف و کتابخانه تخصصی نخستین مرکز فرهنگی دفاع مقدس در غرب کشور است.

موزه جنگ خرمشهر

ساختمان موزه جنگ خرمشهر در دوران ۸سال جنگ تحمیلی محل دیدبانی نیروهای عراقی بود که بازسازی آن در سال ۱۳۷۵ مرکز فرهنگی دفاع مقدس افتتاح شد. با توجه به اینکه این مرکز محل دیدبانی دشمنان در دوران جنگ بوده، دست‌نوشته‌های سفال‌گران عراقی روی دیوارهای ساختمان جامانده است. باغ‌موزه‌های دفاع مقدس در استان‌های کردستان، همدان، اصفهان، آذربایجان غربی، ایلام، آذربایجان شرقی و شهر دزفول نیز از دیگر موزه‌های دفاع مقدس در نقاط مختلف ایران است.

باغ موزه دفاع مقدس کرمان

موزه دفاع مقدس کرمان با الهام از معماری ایرانی و سنتی کرمان ساخته شده است. این موزه خاطرات دوران دفاع مقدس و رشادت‌های لشکر ۱۴۱ تارالله و روزهای جنگ و انقلاب را در خود برای نسل‌های آینده نگه می‌دارد.



یادمان‌های دفاع مقدس خوزستان

خوزستان خود یک موزه بی‌سقف است؛ یادمان فکه، جایی که خاکش هنوز بوی شقایق می‌دهد، طلاپیه با خاکریزهایی که قصه‌ها را در سکوت فریاد می‌زند و شلمچه که هر وجش شاهد عبور قهرمانان بوده. این یادمان‌ها تنها مکان‌های یادآوری نیستند، بلکه تجربه‌ای حضوری از میدان نبردند، جایی که آسمان و زمین به شهادت گره خورده‌اند و بازدیدکننده را در فضای روزهای حماسه غوطه‌ور می‌سازند.



سوره روز

قاب‌های ماندگار



حمیدرضا محمدی | روزنامه‌نگار | عکاسان خبری شاهدان دفاع مقدس و تصدیق‌کنندگان وقایع آن هستند. در هر فریسم از عکس‌های آنها پیام‌هایی نهفته است که در هزاران صفحه کتاب قابل بیان و انتقال نیست.

کمال خرازی

عکس در دل و درونش هزار حرف دارد، هزار سخن که باید در آن دقیق و عمیق شد تا دریافتش. با فیلم فرق دارد. فیلم خود گویاست اما عکس صامت است و از کتله همین سکوتی که دارد، می‌شود هزار جور داستان ساخت و به عمق سوره رفت. عکس‌های جنگ هم از این قانون و قاعده میرانمیستند.

اگر قابی از صحنه نبرد باشد یا نمایی از پشت جبهه یا حتی تکه‌ای از زندگی شهری و آدم‌های معمولی و خانه‌های تخریب‌شده و زندگی‌های آزمیان‌رفته، همین حکایت است. اصلاً برای همین هم هست که عکاسی جنگ خود رشته و شاخه‌ای مجزااست و برای برداشتن تصاویر حیرت‌انگیز، باید دل شیر داشت و به قلب رزم رفت. در جنگ عراق علیه ایران هم رفتند و برخی‌شان حتی شهید، مفقودالثر یا جانباز شدند، اما صحنه را ترک نکردند.

عکاسان جنگ تحمیلی دقیقاً چنین بودند؛ دوربین به‌دستانی که کم هم نبودند؛ از علی فریدونی، سیف‌الله صمدیان، ابراهیم شاطری و امیرعلی جوادیان تا محمود طهیرالدینی، امیرقلی نخعی و مجید کریمیان و البته شهید داریوش گودرزی کیا و جوادالانثر کاظم اخوان و کم‌وبیش محسن وفایی شاندیز و محسن راستانی که برای خبرگزاری ایرنا عکس می‌گرفتند. منوچهر قلمچی، محسن رفیع‌نژاد، جهانگیر زرعی، علی آذرنباء، مرتضی خاکی، علی غفاری و محمود محمدی عکاسان روزنامه اطلاعات بودند، روزنامه کیهان عکاسانی چون حسین پرتوی، قربان خلیلی و حمیدرضا نجف‌زاده شهری داشت. بهرام محمدی‌فرد عکاس روزنامه جمهوری اسلامی و ابراهیم اصغرزاده عکاس روزنامه قدس بودند، محمد صیاد عکاس خبرگزاری آسوشیتد پرس بود. کسانیی هم مانند مریم کاظم‌زاده، کاوه گلستان، احمد ناطقی، ساسان مؤیدی، کاوه کاظمی، جاسم غضبان پور، مهرداد ارشدی، شهید سعید جان‌بزرگی، محمدحسین حیدری، جهانگیر زرعی، شهید محسن چوبدار و عربعلی هاشمی مستقل عکس می‌گرفتند و البته حتماً نام‌های بسیار دیگری که می‌شود قطار کرد.



ما نسل چهارم پس از دفاع مقدس، حالا ثبت و ضبط آن همه حساسه را مدیون قاب‌های فراموش‌ناشدنی آنانیم؛ آنان که سلاح‌شان دوربین‌شان بود و جان‌برکف در خط مقدم و در کنار رزمندگان حضور داشتند تا به یادگار گذارند همه آن چیزهایی که دارد در این صحنه می‌گذرد. کاش کتاب‌های مصور جنگ بیشتر منتشر شوند کاش نمایشگاه‌های عکس جنگ افزون‌تر برپا شوند و کاش نسل جدید و جوان پس از آن ۸سال فراوان‌تر از قبل تصاویر جنگ را ببینند تا دریابند آنچه در آن ۲هزار و ۹۱۶روز گذشت، جنگی که اما فراموش نباید کرد اگر مجاهدت و مرافقت جوان‌ترین جوانان وطن، آن همه سرو روان و رعنا، در آغاز راه، پر از امید، پر از آرزو و پر از فکر فردا، آزاد و آزاده نبود، شاید این مرز و بوم نبود و نمی‌ماند. آنان بودند که از اهل‌وعیال و مان‌وخان گذشتند و خون دادند اما خاک از این خطه پر گوهر ندادند. همه ایرانیان مدیون و مرهون آن مردان دلیر و رشید در خط مقدم و زنان دل‌لور در پشت‌صحنه‌اند که جز آبادی و آزادی این سامان به هیچ چیزی نپندشیدند و عهد خوش‌و خرم شباب را به پای دفاع ریختند و خود را فدا کردند در آن جنگ نابرابر تحمیلی که به‌گفته حسین بن‌منصور حلاج، «گل‌گونه مردان، خون ایشان است.» پس شایسته و بایسته است ارج‌واجر نهادن جایگاه و پایگاه همه آن شهیدان این کهن‌بوم، فرزندان وطن‌مان که به قول آن مرد بردار و یخته‌شده، «در عشق دو رکعت است [که] اوضوی آن درست نباید الا به خون.»